

حقوق ارتباطی در جامعه اطلاعاتی

دکتر کاظم معتمدنژاد*، دکتر حبیب‌الله معظمی گودرزی ✉

چکیده

حمایت از حقوق ارتباطی، اندیشه حقوقی جدیدی در حوزه ارتباطات است. در مقاله حاضر کوشش شده است اندیشه نو پای «حقوق ارتباطی» مطرح شده در جهان، با عمری کمی بیش از یک دهه معرفی شود. بنابراین، تمرکز آن بر بحث و بررسی ابعاد مفهومی «حقوق ارتباطی» و ارائه یک مطالعه اسنادی درباره این مفهوم است و در کنار آن به عنوان روش مکمل، پژوهشی میدانی در قالب روش کیو اجرا شده است تا مشخص شود برخی از مسائل مهم در این حوزه مانند دسترسی، توانمندی و کاربری در خصوص اطلاعات، تا چه میزان مورد توجه و مذاقه ایرانیان (کارشناسان و روزنامه‌نگاران) قرار دارد.

بر اساس یافته‌های به دست آمده، دیدگاه‌های گروه افراد ایرانی مورد تحقیق درباره حقوق ارتباطی با دیدگاه‌های مطرح شده در عرصه جهانی شباهت قابل توجهی نشان می‌دهد.

کلید واژه: جامعه اطلاعاتی، حق ارتباطی، حقوق ارتباطی، حقوق ارتباطات، حقوق بشر ارتباطی

* دکترای حقوق و روزنامه‌نگاری

Email: hmgoudarzi@gmail.com

✉ دکترای علوم ارتباطات، مدرس، روزنامه‌نگار و پژوهشگر

پذیرش نهایی: ۸۹/۶/۲۰

تجدیدنظر: ۸۹/۷/۲

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۳

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات طی سال‌های اخیر، تأثیرات شگرفی بر جامعه بشری گذاشته‌اند. به طور کلی، دگرگونی در هر محیطی، ضرورت وجود مقررات و حقوق متناسب را که با تدوین قواعد جدید یا اصلاح مقررات جاری، تأمین می‌شود، مطرح می‌کند. ضرورت این موضوع هنگامی بیشتر است که تغییر عمیق و گستره آن، تمام ابعاد جامعه را فرا می‌گیرد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با تغییراتی که در جامعه بشری ایجاد کرده‌اند، نارسایی برخی حقوق موجود را به چالش کشیده‌اند و ضرورت تدوین برخی حقوق دیگر را مطرح کرده‌اند و البته فرصتی را نیز برای توسعه و یا تقویت برخی حقوق دیگر آفریده‌اند.

این فناوری‌ها، علاوه بر نیازهای حقوقی جدیدی که آفریده‌اند، خود فرصتی شده‌اند تا برخی از حقوق حوزه ارتباطات که به دلایل مختلف، از نظر دور مانده یا با موانعی روبه‌رو شده‌اند، امکان اجرا و تحقق کامل بیابند. البته درباره تأثیر فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به نظر عده‌ای، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، فناوری‌های آزادی هستند زیرا آزادی انتخاب افراد را تقویت می‌کنند و روابط افقی را در شبکه سازمان‌ها و افراد شدت می‌بخشند. برخی دیگر چنین استدلال می‌کنند که فناوری‌های جدید، ابزاری برای ثبت و ضبط، مراقبت، نظارت و کنترل است (ون دایک^۱، ترجمه یزدان‌پور، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

هدف و مسئله اصلی پژوهش حاضر، آن است که با شناخت حقوق ارتباطی^۲، بتوان از فرصت‌های جدید ناشی از این فناوری‌ها، به نفع تحقق این حق‌ها بهره برد. مفهوم و اندیشه «حقوق ارتباطی»، فکری جدید در عرصه ارتباطات است. بنابراین، تحقیق حاضر فرصتی است برای شناخت ابعاد این اندیشه که به تازگی در کشورهای پیشرفته مطرح شده، تا بر اساس این شناخت بتوان در برابر موج رو به گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و پدیداری «جامعه اطلاعاتی»، به سیاستگذاری‌های بومی مناسب و برنامه‌ریزی‌های لازم در حوزه ارتباطات مبادرت ورزید. مطالعاتی مانند تحقیق حاضر، همچنین این فرصت را پدید می‌آورند که فاصله

1. Vandiek

2. Communication rights

فکری و فضای مطالعاتی بومی مربوط به موضوع این تحقیق (حقوق ارتباطی در جامعه اطلاعاتی) که اساساً موضوعی تازه در جهان کنونی به شمار می‌آید و تنها مطالعات اندکی را به سوی خود جلب کرده است، با اندیشه جاری جهان، مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به مطالب پیش گفته، در پژوهش حاضر کوشش شده است که به پرسش‌های زیر پاسخ مناسبی داده شود:

۱. حقوق ارتباطی چیست، چه تبیینی از آن می‌توان ارائه داد؟ و چه نسبتی با جامعه اطلاعاتی دارد؟

۲. بیشترین توافقات و اختلاف‌های پاسخگویان (کارشناسان و روزنامه‌نگاران) بر سر کدام جنبه‌ها و زمینه‌های حقوق ارتباطی است؟

۳. کدام حق‌ها از انواع حق‌های تحت شمول حقوق ارتباطی، بیشتر مورد توجه پاسخگویان هستند؟

۴. کدام یک از حق‌های شهروندی سه‌گانه یعنی دسترسی، توانمندی و کاربری در مورد اطلاعات، بیشتر مطرح و طرف توجه پاسخگویان هستند؟

۵. پاسخگویان، کدام یک از موانع موجود بر سر راه تحقق حق‌های سه‌گانه شهروندی را در اولویت قرار می‌دهند؟

۶. به طور کلی در زمینه تأمین حقوق شهروندی به منظور دسترسی، توانمندی و کاربری در خصوص اطلاعات در جامعه اطلاعاتی به چه دیدگاهی می‌توان دست یافت؟

مبانی و چارچوب نظری

این تحقیق از آنجا که موضوعی بین رشته‌ای را تحت مطالعه قرار داده، ناگزیر به انتخاب مبانی نظری در حوزه اندیشه‌های سیاسی، جامعه‌شناسی، ارتباطات و حقوق شده است. در عین حال، نکته مهم در زمینه اندیشه «حقوق ارتباطی» این است که تاکنون هیچ نظریه مستقیمی که به تبیین آن کمک کند، در جهان شکل نگرفته است. دلیل این وضعیت نیز آن است که اندیشه «حقوق ارتباطی» نوپاست و چند سالی بیش نیست که در محافل دانشگاهی و مدنی جهان مطرح شده است. پس صرفاً برخی دیدگاه‌های علمی در این باره وجود دارد. بر این اساس، در مبانی نظری این تحقیق به اندیشه سیاسی

متفکران کلاسیک و متفکران جدید حوزه آزادی و همچنین صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات و جامعه اطلاعاتی برای تبیین مفاهیم حق ارتباط و حقوق ارتباطی پرداخته شده است. مرور گذشته و تاریخچه موضوع نیز درون بحث‌های مفهومی ارائه شده‌اند.

حق ارتباط: تاریخچه و مفهوم

برای توجه به پیشینه تاریخی اندیشه «حقوق ارتباطی» باید به مسائل مطرح در عرصه روابط بین‌الملل و شروع بحث‌های مربوط به نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات^۱، در حدود چهار دهه پیش بازگشت که آن روزگار نیز با طرح بحث‌های مربوط به «حق ارتباط»، مصادف بوده است.

غروب جنگ جهانی دوم و پایان کشتار انبوه انسان‌ها و ویرانی گسترده محیط زیست، طلوع مطالبات و تغییرات در زمینه‌ها و عرصه‌های گوناگون در حوزه ملی و بین‌المللی بود. در همان سال‌های نخست بعد از جنگ جهانی دوم بود که اندیشه استعمارزدایی، در کشورهای موسوم به جهان سوم، شکل گرفت و چندین سال بعد، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، با گسترش آن، استقلال این کشورها تحقق یافت.

این سال‌ها مصادف با گسترش رادیو، پیدایش و رواج تلویزیون و در پی آن، جهش فناوری مخابرات هستند که به پرتاب ماهواره به فضا منجر شد و سرانجام به ظهور تلویزیون‌های ماهواره‌ای انجامید. در عرصه بین‌الملل، با پایان دوران حاکمیت جنگ سرد و رقابت‌های سیاسی و عقیدتی قطب‌های شرق و غرب، تأثیر رسانه‌ها در نمایش قدرت سیاسی، مقابله با حریف و ترویج هدف‌های سیاسی جهانی پدیدار شد و به این ترتیب، وسایل ارتباط جمعی در معادلات و روابط بین‌المللی، کانون توجه خاص قرار گرفتند.

یکی از فضاها اصلی این رقابت که جلوه‌ای از جنگ سرد و نیز محل مناقشه بر سر رسانه‌ها، بود و به عبارتی می‌توان آن را مینیاتوری از شرایط جهان آن روزگار دانست، «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» (یونسکو)^۲ بود که در دهه ۷۰

1. New World Information and Communication Order (NWICO)

2. United Nations Educational Scientific Cultural Organization (UNESCO)

قرن ۱۹ میلادی به شدت درگیر مباحثه‌های بین‌المللی مربوط به نقش و تأثیر و حدود عمل و وسایل ارتباط جمعی و صف‌بندی بر سر این مباحث، شد. در یونسکو به دلیل آنکه کشورهای در حال توسعه، «نقش‌آفرینی در تصمیمات» و «برابری» جهانی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و ارتباطی را مطالبه می‌کردند، این صف‌بندی به طور قاطع شکل گرفت.

محور و هسته مرکزی این مباحثه‌ها، مقابله کشورهای جهان سوم با نظریه جریان آزاد اطلاعات و طرفداری آنها از یک نظم نوین جهانی به منظور تأمین برابری ارتباطات و تعادل اطلاعات بود که به تشکیل کمیسیون بررسی مسائل ارتباطات و تهیه و انتشار گزارش مشهور به گزارش مک براید^۱، موسوم به «یک جهان، چندین صدا» انجامید. با اینکه خاستگاه این گزارش یعنی مقابله با نامتعادل بودن «اطلاعات» و نابرابری جهانی ارتباطات میان کشورهای بزرگ و کشورهای جهان سوم، از حاکمیت جریان آزاد اطلاعات ناشی شده بود و به شکل‌گیری و تشکیل کمیسیون مذکور انجامیده بود، ارتباطات به طور کلی (و نه فقط رسانه) طرف توجه آن قرار گرفت. برای مثال، برابری انسان‌ها (در عرصه ارتباطات): «از جمله حقوق انسانی که باید بر آنها تأکید گذاشت و حقوق برابر برای زنان و بین‌نژادها» (مک براید، ترجمه یاد، ۱۳۶۹، ص ۲۰۵) همچنین تمرکز رسانه‌ها: «تمرکز مطبوعات، مایه هشدار روزافزون شده است، زیرا تهدیدی جدی برای وجود مطبوعات آزاد و کثرت‌گرا هستند» (همان، ص ۱۰۶) و یا تجاری‌سازی رسانه‌ها: «تأثیرات اجتماعی تجاری‌سازی رسانه‌های جمعی، یک نگرانی عمده ... است» (همان، ص ۱۹۸) نمونه‌هایی از موضوع‌های مطرح شده در این گزارش هستند.

گزارش فوق اما عاقبت مهم و مؤثری نداشت و در دهه ۱۹۸۰ میلادی، در جریان تنش‌های سیاسی بین‌المللی آن سال‌ها عقیم ماند. ایالات متحده در واکنش به وضعیت حاکم بر یونسکو و مقابله با برابری خواهی اطلاعاتی و ارتباطی کشورهای در حال توسعه، از این سازمان خارج شد. سپس انگلستان چنین کرد و در نتیجه کمک‌های مالی آنها به یونسکو قطع شد که این، سازمان را با مشکلات جدیدی روبه‌رو کرد.

بررسی مسائل ارتباطات و توصیه‌های ملایم این گزارش هیچ گاه به مرحله اجرا نرسیدند و مفهوم حق ارتباط نیز که همزمان با این منازعات، مطرح شده بود، ناخواسته به این کمیسیون و گزارش یاد شده، گره زده شد و سرنوشت مشابه‌ای برای آن رقم خورد.

لازمه تبیین مفهوم حقوق ارتباطی (حق‌های ارتباطی)، بررسی مفهوم «حق ارتباط» است که با آن رابطه نزدیک دارد و البته حدود دو دهه قبل از آن مطرح شده است. اما حق ارتباط چیست و چه تعریفی برای آن می‌توان در نظر گرفت؟ پاسخ به این پرسش، به معنای ورود به میدان مناقشه‌ها و اختلاف نظرهای برخی صاحب‌نظران، بر سر ارائه تعریفی مشترک و معین از حق ارتباط است. از همان آغاز طرح اصطلاح «حق ارتباط» تاکنون، تعریفی دقیق و جامع از این مفهوم ارائه نشده و در صورت ارائه، مورد پذیرش مروّجان این اندیشه قرار نگرفته است. بیشتر اندیشمندان علاقه‌مند به حوزه «حق ارتباط»، تمایلی به ارائه و تدوین تعریفی از این حق ندارند. آنان بر این باورند که ارائه تعریف، این مفهوم را محدود و معین می‌کند. در صورتی که دایره معنایی و تعریفی آن باید گسترده و شناور باشد. بویژه تلاش یونسکو برای ارائه تعریفی از این حق، در گیرودار تجربیات تلخ و ناکامی‌های پیشبرد «حق ارتباط» در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، این باور را قوت بخشیده است.

با این حال کسانی مانند توبی مندل^۱، صاحب‌نظر کانادایی و مدیر برنامه حقوق «ماده ۱۹» تلاش داشتند برای نزدیک کردن ذهن مخاطب به موضوع، یک تعریف کلی از حق ارتباط ارائه دهند. از دیدگاه آنان «حق ارتباط ... حق هر فرد یا جماعت برای بیان و شنیدن آنهاست ...» (مندل، ۲۰۰۶)، اما به نظر می‌رسد که چارچوب معنایی برتر از آنچه «ژان داریسی»^۲ درباره حق ارتباط بیان کرده، تاکنون ارائه نشده است.

داریسی که وی را پایه‌گذار «حق ارتباط» نامیده‌اند بر این مفهوم تکیه می‌کند که «حق ارتباط، حق طبیعی بشر است و به نیاز بشر برای ارتباط برقرار کردن مربوط می‌شود» (فیشر^۳ و هارمس^۴، ۱۹۸۳).

1. Tobby Mandel

2. John Darci

3. Fisher

4. Harms

حق ارتباط و آزادی بیان

آزادی بیان، اصلی‌ترین حق در بحث حق ارتباط و حقوق ارتباطی، با وجود جایگاه قانونی و رسمیت یافته کنونی که تقریباً همه کشورهای جهان با طی مسیری طولانی، قانون مصوبی در تأیید آن دارند، با موانعی برای تحقق کامل مواجه بوده است چنان که نمی‌توان مدعی شد این حق پس از گذشت حدود سه قرن از طرح آن، محقق شده و از وضعیت عینی مطلوبی برخوردار است. بنابراین، یکی از دلایل اصلی طرح مباحث حق ارتباط و حقوق ارتباطی، کمک به عینیت یافتن و تحقق کامل حق آزادی بیان است.

ریشه تاریخی تأیید و رسمیت یافتن آزادی فرد و حق آزادی بیان، به قائل شدن حق برای افراد و اتباع حکومت از یک سو و شرط و حد برای قدرت مطلقه از سوی دیگر، باز می‌گردد چنان که جان لاک، فیلسوف سیاسی قرن هفدهم انگلیس، از لزوم به رسمیت شناختن حقوق طبیعی افراد در برابر قدرت، حمایت کرده و یادآور شده بود که: «موجودیت حق، نیازمند اثبات نیست» (جونز^۱، ترجمه رامین، ۱۳۶۲، ص ۲۷۵).

به طور کلی، اندیشه‌ورزی متفکران و آزادی‌گرایان قرون هفدهم و هجدهم در مسیری قرار گرفت که آغاز آن تلاش برای تحدید و سپس مشروط ساختن قدرت مطلقه و پایان آن تثبیت شدن و رسمیت یافتن «حق آزادی بیان» برای فرد، بود.

اوج این تأملات و اندیشه‌ورزی‌ها در باب حق آزادی بیان، در اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب ۱۷۸۹ میلادی فرانسه و در ماده ۱۱ آن تبلور یافت: «انتقال و انتشار آزاد افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق انسانی است. بنابراین، هر شهروندی می‌تواند آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند، مگر در مواردی که برای مقابله با سوءاستفاده از این آزادی، در قانون مشخص شده و قابل تعقیب است».

آزادی بیان برای تثبیت جهانی و همه‌جاگیر شدن و همچنین برای برداشتن موانع و رسمیت یافتن خود، به اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) راه یافت و ماده ۱۹ آن به این حق مهم اختصاص یافت: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

با وجود اعتنای این اعلامیه‌های جهانی و تأثیرگذاری آنها بر آزادی بیان، این حق برای تحقق و اجرای کامل، طی دو قرن اخیر با موانعی روبه‌رو بوده است. تأمل و مطالعه درباره این موانع، الزام و تشویق دولت به مداخله به نفع تضمین و تأمین آزادی بیان را بار دیگر قوت بخشید و مطرح ساخت. در این زمینه بود که در میانه قرن بیستم، اندیشمندانی همچون آیزایا برلین^۱، متفکر روسی (لتونی) تبار امریکا، از دو مفهوم مثبت و منفی آزادی یا «آزادی از» و «آزادی برای» سخن گفتند که شباهت‌هایی با دو نوع آزادی پیش گفته دارد. مفهوم منفی آزادی از نظر او این است که «شخص یا گروهی از اشخاص در عمل آزادی دارند یا باید داشته باشند تا بدون دخالت دیگران به آنچه می‌خواهند عمل کنند و آن چنان که می‌خواهند، باشند» (برلین، ترجمه موحد، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶). این مفهوم از نظر برلین «آزادی از» هر مانع و مداخله نیز معنا می‌دهد. مفهوم مثبت آزادی نیز «صاحب اختیار بودن فرد (است که) هدف و روش خویش را انتخاب کند ... و مسئولیت گزینش‌های خویشتن را بر عهده بگیرد» (همان، ص ۲۳۶). این مفهوم از آزادی به معنای «آزادی برای» نیز محسوب می‌شود.

در حوزه ارتباطات هم می‌توان چنین تعاریفی را از آزادی ملاحظه کرد: «آزادی منفی، آزادی از مداخله‌ها و محدودیت‌های دولت در امور مطبوعات و سایر وسایل ارتباطی و آزادی مثبت آزادی برای فعالیت مطبوعات و سایر رسانه‌ها و در جهت خدمت به جامعه» (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵) است. بنابراین، آزادی بیان، نیازمند حمایت و لوازمی است تا به طور کامل، برای افراد و گروه‌ها، در تمامی نقاط جغرافیایی و با هر نوع فرهنگ، زبان و قوم، محقق شود.

نظریه شهروندی

حقوق ارتباطی با مفاهیمی مانند حقوق «شهروندی»^۲، «جامعه اطلاعاتی»^۳ و «حقوق بشر» رابطه‌ای تنگاتنگ دارد که در بخش‌های بعدی مقاله به این مفاهیم و رابطه آنها با حق ارتباط و حقوق ارتباطی پرداخته می‌شود.

1. Isiah Berlin

2. citizenship

3. information society

حقوق ارتباطی، ویژگی معنایی نزدیکی با حقوق شهروندی دارد. مسیری که حقوق و نظریه شهروندی طی کرده و در جریان آن شکل گرفته، شبیه همان مسیری است که حقوق ارتباطی گذرانده است. حقوق شهروندی اینک متوجه تأمین لوازم و منابع برای شهروندی به منظور ایفای مؤثر نقش اجتماعی و سیاسی آن است، همچنان که حقوق ارتباطی، خواست مشابهی برای تحقق حق‌های اساسی حوزه ارتباطات دارد. همان گونه که حقوق شهروندی، اتکا بر حقوق مدنی و حقوق سیاسی، مانند آزادی‌های فردی را کافی نمی‌داند و بر لزوم توجه به حقوق اجتماعی تأکید می‌ورزد تا این آزادی‌ها امکان تحقق کامل پیدا کنند، حقوق ارتباطی نیز در مسیری مشابه، تکیه بر حق آزادی بیان را کافی نمی‌داند و لوازم تحقق آن را دنبال می‌کند.

نخستین نظریه‌پرداز شهروندی، مارشال^۱، جامعه‌شناس انگلیسی، بود که اندیشه خود را در این زمینه در سال ۱۹۶۰ میلادی منتشر کرد و بعدها به بسط و تبیین این نظریه پرداختند. دولت رفاه در اروپای غربی نیز همزمان با طرح مباحث نظریه شهروندی روی کار آمد و خود این مفهوم، اندیشه‌ای نظری و حکومتی شد. دهه پایانی قرن گذشته دهه «شهروندی» نام گرفت و این مفهوم پویا هنوز هم در دستور بحث‌ها و تفکر اندیشمندان قرار دارد (فالکس^۲، ترجمه دلفروز، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱).

نظریه شهروندی را می‌توان نهضت برابری خواهی و تواناسازی افراد جامعه برای ادای وظایف خود خواند ضمن اینکه چون مطالبه امکانات و منابع از دولت، به وابستگی شهروند به آن می‌انجامد، نظریه شهروندی، بر استقلال فرد شهروند نیز تأکید دارد: «شهروندی، یک موقعیت عضویت (در جامعه) است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات می‌شود و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد» (همان).

خاستگاه نظریه شهروندی، آزادی‌گرایی (لیبرالیسم) است و به سبب سیطره سنت آزادی‌گرایی در غرب و جهان، تمام کوشش نظریه‌پردازان شهروندی، بر برابری‌جویی برای شهروند متمرکز بوده است. به عبارتی، نظریه شهروندی برابری‌خواه و صورت تلطیف شده و تعدیل یافته نظریه آزادی‌گرایی نیز می‌تواند قلمداد شود.

در پی توجه و اهتمام اندیشمندان به حقوق اجتماعی و اقتصادی، این حقوق وارد نظریه

1. Marshal

2. Falks

شهروندی شدند تا یک شهروند با برخورداری از آنها و فراغت بال بتواند به وظایف خود در قبال جامعه و مشارکت در اداره آن عمل کند: «از آدمیزادی که از غذای کافی و گرما و سرپناه و حداقل امنیت محروم است، نمی‌توان توقع داشت که ذهن خود را به مسائلی چون آزادی قراردادها یا آزادی مطبوعات مشغول کند» (برلین، ۱۳۸۰، ص ۵۳).

شهروند برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی جامعه نیاز به لوازم، امکانات و منابعی دارد که حقوق و نظریه شهروندی بر آنها تأکید می‌کند. در زمانی که نظریه شهروندی پیش می‌رفت، تحولات و نوآوری‌های شگرف فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و پدیداری جامعه اطلاعاتی، توجه به حوزه ارتباطات و جامعه اطلاعاتی را مطرح ساخت.

جامعه اطلاعاتی

جامعه اطلاعاتی^۱، حاصل شکل‌بندی جدید اجتماعی متأثر از ظهور و گسترش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و ارتقای جایگاه و مرکزیت اطلاعات در جامعه بشری است. جامعه اطلاعاتی که با مفاهیمی مانند جامعه معرفتی، جامعه دانش‌مدار، جامعه فرا صنعتی، جامعه پسامدرن، جامعه نظارتی و جامعه شبکه‌ای، معادل قرار داده شده، مفهومی ارتباطاتی است که روزانه مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرد و به لحاظ معنایی، بسیار محل مناقشه است. از منظر اندیشه ارتباطاتی، سه دسته اندیشمند را می‌توان در نظر گرفت که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به این مفهوم دارند: دسته نخست، کسانی هستند که اعتقاد دارند جامعه جدیدی متأثر از فراوانی اطلاعات ناشی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پدیدار شده که اجتماع انسانی را در ابعاد گوناگون متحول ساخته است؛ و چنین تحول و جامعه‌ای، امری مطلوب و مثبت است.

دسته دوم، اندیشمندانی هستند که ضمن باور داشتن به پدیداری «جامعه اطلاعاتی» با ویژگی‌های فنی خاص، نگاه انتقادی به آن دارند، و بر عکس دسته نخست، نسبت به این پدیده اظهار شیفتگی نمی‌کنند.

دسته سوم، کسانی هستند که از اساس، قائل به ظهور جامعه جدید نیستند و این

تحولات را، صرفاً اطلاعاتی می‌دانند، نه پدیداری جامعه جدیدی به نام «جامعه اطلاعاتی». اینان نسبت به اهداف چنین تحولی نیز نگاه بدبینانه و انتقادی دارند. درون هر یک از این سه دسته، تنوع دیدگاهی نیز وجود دارد، ضمن آنکه در این دسته‌بندی سه‌گانه، «جامعه اطلاعاتی یک مفهوم گریزپاست که معنای دقیق و تعریف مشخص و مورد قبولی ندارد» (هاملینک^۱، ۲۰۰۳).

مسئله دیگر این است که «حق ارتباط»، به دنبال به رسمیت شناخته شدن یک حق جدید بشری به نام این حق است، در حالی که حقوق ارتباطی، مبتنی بر حقوق موجود هستند. خلاصه اینکه «حقوق ارتباطی و حق ارتباط مکمل یکدیگرند» (همان) و البته در حال حاضر، حقوق ارتباطی به حق ارتباط ترجیح داده می‌شوند.

حقوق ارتباطی

حقوق ارتباطی به طور سریع و مستقیم به مجموعه‌ای از حقوق بشر مرتبط می‌شوند که بسیاری از مردم از آنها محروم نگه داشته شده‌اند و معنای کامل آنها تنها زمانی می‌تواند محقق شود که همگی آنها، به عنوان یک گروه دارای ارتباطات متقابل دیده شوند. به این سبب، حقوق ارتباطی در ذات خود برابری خواه هستند و این موضوع، خود یکی از ارکان اصلی حقوق بشر است. حقوق ارتباطی نابرابری‌های جامعه را در دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها نفی می‌کنند. به همین دلیل است که حق‌های اساسی ذیل حقوق ارتباطی را «حقوق بشر ارتباطی» نام می‌نهند.

در فضای نابرابری، گروه‌هایی خاص مانند دولت، مالکان رسانه‌ها یا گروه‌های قدرتمند، نسبت به دیگر مردم، به وسایل ارتباطی دسترسی دارند و عقیده و خواسته خود را از این طریق به رسانه‌ها منتقل می‌کنند و بر این وسایل تأثیر می‌گذارند. حاصل این شرایط، جامعه‌ای نابرابر، پیچیده، با تنوع ارتباطات به شدت واسطه‌ای و ساختارهای متفاوت قدرت، می‌شود که حقوق بشر در آن نقض می‌شود. بنابراین، حقوق ارتباطی برای رد چنین جامعه نابرابری، مطرح شده است. «حل این مسئله نیازمند مجموعه جدیدی از مفاهیم و ابزارهاست که در قلب گفتمان حقوق ارتباطی قرار دارد.»

1. Hamelink

(هاملینک، ۲۰۰۸) و چنین گفتمانی است که می‌تواند حقوق بشر را محقق سازد. به اعتقاد هاملینک فناوری‌های «حقوق بشر کنونی برای اطلاعات تدوین شده نه برای ارتباطات، از این رو، با تحولات فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پیش نرفته است، پس باید «حقوق بشر ارتباطی» مدون شود که بر اساس آن، به ارتباطات، به مثابه فرایندی پویا، دو سویه و نه انتقال پیام صرف، نگریسته شود» (آلگره^۱ و اوسیوچرو^۲، ۲۰۰۵).

به طور کلی، حقوق ارتباطی، تواناسازی و امکان‌دهی به حقوق موجود بشر را هدف قرار داده است. بنابراین، می‌توان حقوق ارتباطی را همان حقوق بشر همراه با فراهم کردن بستر تحقق این حقوق معنا کرد.

حقوق ارتباطات، حق ارتباط و حقوق ارتباطی

به لحاظ ترتیب زمانی، حقوق ارتباطات، پیش از دو مفهوم دیگر یعنی «حق ارتباط» و «حقوق ارتباطی» در دو قرن اخیر مطرح بوده است، سپس «حق ارتباط» در پایان دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد و پس از آن، کمتر از دو دهه است که از مفهوم «حقوق ارتباطی» سخن گفته می‌شود.

به لحاظ حقوقی، «حقوق ارتباطات»، قوانین و مقررات رسمی و قانونی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را شامل می‌شود. اما، «حق ارتباط» و «حقوق ارتباطی» هنوز در حقوق بین‌الملل از وضعیت رسمی و قانونی برخوردار نشده‌اند و به عبارتی، از جایگاه قانونی بی‌بهره‌اند. «حقوق ارتباطات، یکی از زمینه‌های جدید مطالعات حقوقی، یکی از شاخه‌های علم حقوق و در واقع، یکی از قدیمی‌ترین رشته‌های حقوق است و شامل مقررات و قوانین مصوب در مراکز قانونگذاری و تصمیم‌سازی در کشورها می‌شود» (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۸). در دایره شمول این مفهوم، طی دو قرنی که از عمر آن می‌گذرد، جابه‌جایی‌هایی نیز صورت گرفته است چنان که این اصطلاح، ابتدا شامل زمینه‌های خاص آن زمان یعنی حقوق حمل و نقل دریایی و زمینی می‌شد، اما اینک حوزه‌های ارتباطات جمعی، ارتباطات دور و ارتباطات الکترونی را در بر گرفته است.

در حالی که در مطالعات مربوط به حقوق ارتباطات مفهوم «حق ارتباط» به عنوان بحثی که بازنگهداشته شده و خاتمه نیافته، همچنان در معرض بحث و مکاشفه، معرفی می‌شود،

مفهوم «حقوق ارتباطی» (جمع حق‌های ارتباطی) نیز طرف توجه خاص قرار گرفته است. بنابراین، شناخت سه مفهوم «حقوق ارتباطات»، «حق ارتباط» و «حقوق ارتباطی» ضرورت دارد.

«حق ارتباط» همچنان که اشاره شد، ارتباطات را حق طبیعی بشر می‌داند (حقی که هنوز در تمام کشورها و در سطح بین‌المللی به خوبی به رسمیت شناخته نشده است)، ارتباطات انسانی، تعاملی، افقی و مبتنی بر گفتگو که سطوح گوناگون فردی، گروهی و جمعی را با فرهنگ و آیین‌های متفاوت در بر می‌گیرد.

«حقوق ارتباطی» نیز مفهومی است که معنای نزدیکی با مفهوم «حق ارتباط» دارد و مجموعه‌ای از حق‌های حوزه ارتباطات را که حق آزادی بیان محور آن است و با سازوکار ویژه تمهید شده و به کارگیری حق‌های ذیل (اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ و میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی^۳)، برای تحقق حق‌های مغفول و اجرا نشده حوزه ارتباطات به کار گرفته می‌شود.

هر چند «حق ارتباط» و «حقوق ارتباطی» اصول و راهکارهای متفاوتی دارند، اما از نظر مفهوم و کارکرد بسیار نزدیک به هم هستند. این دو مفهوم علاوه بر اطلاعات، به ارتباطات نیز توجه خاص دارند و یکی از وجوه تمایز این دو، با مفهوم «حقوق ارتباطات»، در همین توجه خاص است.

اما حق ارتباط با اینکه هنوز از سوی مروجان آن دنبال می‌شود، با موانعی روبه‌روست که حقوق ارتباطی با آنها مواجه نیستند. یکی از این موانع، گره خوردن اندیشه حق ارتباط با بحث نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات است. طرفداران این بحث از سوی کشورهای غربی متهم به «تلاش برای تحمیل کنترل دولتی بر رسانه‌ها و سرکوب آزادی مطبوعات» شده بودند. و بنابراین، طرح مجدد این حق در شرایط کنونی مستعد مناقشه است و به نظر نمی‌رسد بتواند پیش برود «اکنون دیگر کانون توجهات به شکلی ظریف از ایجاد یک معاهده ارتباطی جهانی جدید (حق ارتباط) به سوی آگاهی

-
1. Universal Declaration of Human Rights
 2. International Covenant on Civil and Political Rights
 3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

یافتن از حقوق ارتباطی، تغییر جهت داده است» (اوسیوچرو، ۲۰۰۵). به این ترتیب، حقوق ارتباطی نسبت به حق ارتباط شرایط مساعدتری برای طرح و پیشبرد دارند.

علل طرح حقوق ارتباطی

صاحب‌نظران حوزه حقوق ارتباطی، علل طرح حقوق ارتباطی در زمان کنونی را مصلحت‌ها، ضرورت‌ها و وجود مشکلاتی می‌دانند که تدوین مجموعه‌ای از حقوق ارتباطی و محقق شدن آنها می‌تواند به رفع این مسائل کمک کند:

۱. آزادی بیان بدون رعایت حقوق ارتباطی می‌تواند از قدرت برخوردار باشد، اما با برخورداری از این حقوق می‌تواند به ظرفیت کامل خود دست یابد.
۲. به دلیل اینکه حقوق ارتباطی، دلالت بر حق گروه‌های گوناگون و حق جوامع زبانی دارد و در بردارنده حقوق اجتماعی و جمعی، احترام و تساهل دو جانبه است، حمایت از تنوع و گوناگونی را مورد توجه قرار می‌دهد.
۳. به دلیل آنکه حقوق ارتباطی، تنها مربوط به ارتباطات بین افراد نیست، به ساختارهای اجتماعی که به طور متفاوتی بازدارنده هستند و نیز به توانا ساختن و به عمل درآوردن ظرفیت گروه‌های مختلف برای ارتباط، توجه دارد. از این رو، این حقوق از دگرگونی‌های ساختارهای اجتماعی ناعادلانه و حاکمیت آنها، سخن می‌گوید.
۴. رسانه‌های جمعی اکنون تحت سلطه تعداد اندکی از شرکت‌های جهانی قرار دارند.
۵. رسانه‌های جمعی که در شکل‌گیری هویت و فرهنگ نقش فزاینده‌ای دارند، اکنون به سمت فردگرایی ناپایدار و مصرف‌گرایی، تغییر جهت داده‌اند.
۶. مسئله حقوق مالکیت فکری یا حق نشر (کپی رایت) و بسط آن، مانع برقراری ارتباط و استفاده همگان از دانش می‌شود.
۷. در دوران نئولیبرالیسم، دسترسی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و استفاده از آنها برای حل و فصل مسائلی مانند فقر و تبعیض، دچار وقفه شده است.
۸. به بهانه جنگ با تروریسم، بارها حقوق بشر در محیط دیجیتال نقض شده است.
۹. آزادی بیان گسترش یافته، اما تنوع رسانه‌ای و کثرت محتوا، متناسب با آن رشد نکرده است.

حقوق ذیل حقوق ارتباطی

صاحب‌نظران و مروّجان اندیشه حقوق ارتباطی اتفاق نظر دارند که حقایق ذیل حقوق ارتباطی از این قرارند:

۱. حق مشارکت فرد در فرهنگ خود و به کارگیری زبان مادری برای قوم‌ها، مذهب‌ها و اقلیت‌های زبانی؛
۲. حق بهره‌مندی از مزایای پیشرفت علمی و کاربرد آنها؛
۳. حق برخورداری از اطلاعات مرتبط با حکومت و موضوعات مورد علاقه عموم (آزادی اطلاعات)؛
۴. حق حمایت معنوی و مادی منافع مؤلف؛
۵. حق حیثیت و آبروی فرد و حمایت از وی علیه آسیب‌رسانی غیر مجاز به حیثیت افراد؛
۶. حق حریم خصوصی؛
۷. حق تجمع صلح‌آمیز و تشکیل انجمن؛
۸. حق خود تصمیم‌گیری و مشارکت در حکومت؛
۹. حق آموزش ابتدایی و پیش‌متوسطه رایگان

روش‌شناسی

مطالعه و بررسی منابع نظری و ادبیات موضوع، پاسخ پرسش نخست پژوهش را ناظر بر چیستی و تبیین حقوق ارتباطی، تأمین کرد و به روش تحقیق میدانی رساله نیز مدد رساند. روش تحقیق کیو^۱ که یک روش کمی-کیفی است، به منظور ربط دادن مباحث نظری و جهانی پژوهش حاضر (که بررسی و مرور شد)، با حوزه ملی و بومی، به اجرا درآمد. در این روش، در برابر تعداد کم پاسخگویان معین با ویژگی‌های مشترک، شمار زیادی پرسش (گویه) قرار می‌گیرد تا پاسخگویان در واکنش و انتخاب این گویه‌ها، به آنها «اولویت» و «رتبه» بدهند.

تعریف مفاهیم

حقوق ارتباطی: مجموعه حق‌های موجود مصوب یا مورد اجرا در اسناد بین‌المللی و ملی حوزه ارتباطات که به طور کامل محقق نشده‌اند.

جامعه اطلاعاتی: یا جامعه معرفتی (دانش‌محور) به معنای واقعی باز، فراگیر و دارای تنوع فرهنگی است که از شبکه‌های اطلاعاتی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به فراوانی استفاده می‌کند و خدمات اطلاعاتی شکل‌بندی اجتماعی اصلی آن هستند.

شهروندی: یک موقعیت عضویت است که رابطه فرد و جامعه سیاسی را برقرار می‌کند و شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات می‌شود و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد.

حقوق شهروندی: حقوقی است که در دایره شهروندی قرار می‌گیرد.

دسترسی: امکان استفاده از فناوری و محتوای اطلاعات و دانشی است که در فضای مجازی وجود دارد و از مقررات و تصمیمات نهادهای دولت و نیز اقدامات عملی دولت در ایجاد و یا رفع موانع دستیابی به این فضا متأثر است.

موانع: هر آنچه از تصمیمات یا امور فنی و تجهیزاتی مانند سیاست‌های دولت، تنگناهای اقتصادی، هزینه‌های اتصال به اینترنت، فقدان تسهیلات و زیرساخت‌های مخابراتی که مرتبط فضای مجازی یا محدودکننده دستیابی به این فضا است.

توانمندی: ظرفیت‌ها و استعدادها و توانایی‌های فردی است که در صورت به فعل درآمدن، امکان حضور در فضای مجازی را برای فرد فراهم می‌کنند. مانند سواد.

کاربری: امکانات فنی رایانه‌ای و ارتباطی فردی برای حضور در فضای مجازی.

ابزار پژوهش

برای تهیه ابزار سنجش مفاهیم، ابتدا متن ۱۱۰ گویه حاصل از مطالعه مبانی نظری و بررسی مفهومی، استخراج و سپس تدوین شد. شاخص‌های انتخاب اولیه گویه‌ها متمرکز بر سه حق شهروندی و از این قرار بود:

۱. دسترسی به اطلاعات
۲. توانمندی استفاده از اطلاعات
۳. کاربری در مورد اطلاعات

متن گویه‌ها به گونه‌ای تدوین و برگزیده شد که به عناصر دولت، شرکت‌های بزرگ (بین‌المللی) و نهادهای بین‌المللی به عنوان موانع اصلی بر سر راه تحقق حق‌های سه‌گانه یاد شده توجه شود. ضمن آنکه موضوعات حق‌های ذیل «حقوق ارتباطی» نظیر:

۱. بهره‌مندی از مزایای پیشرفت‌های علمی

۲. آزادی اطلاعات

۳. اقلیت‌ها

۴. مشارکت و استفاده از زبان مادری و فرهنگ بومی

۵. حریم خصوصی

۶. تجمع صلح‌آمیز و تشکیل انجمن

۷. مشارکت در حکومت و تصمیمات آن

۸. آموزش رایگان ابتدایی و راهنمایی

۹. حقوق مؤلف

در متن‌های تأمین‌کننده شاخص‌های سه‌گانه یاد شده، نیز مد نظر قرار گرفت. اما به دلیل اینکه روش کیویی که برای این تحقیق برگزیده شده، بین ساختارمند و بی ساختار قرار داشت، تعداد گویه‌های اختصاصی هر یک از موضوعات یا شاخص‌ها دقیق نبود. از سوی دیگر، صرفاً یک موضوع کلی برای مثال، حقوق ارتباطی برای تعیین محتوای گویه‌ها مد نظر قرار نگرفت.

۱۱۰ گویه‌ای که به این ترتیب آماده شدند، در اختیار دو استاد دانشگاه و صاحب‌نظر حوزه جامعه اطلاعاتی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات گذاشته شدند. بر اساس قواعد روش کیو، این دو کارشناس مؤلف بودند گویه‌ها را بررسی کنند. حاصل کار و بررسی آنها، انتخاب نهایی ۶۰ گویه تحقیق بود که بین پاسخگویان تحقیق توزیع شد.

۳۲ پاسخگوی این پژوهش نیز، دو دسته کارشناس و روزنامه‌نگار یا متخصص حقوق و ارتباطات را شامل شدند. ۱۶ کارشناس حقوق، استاد دانشگاه و حقوقدان و نیز شاغلان مراکز نظارتی و قضایی کشور، زن و مرد با تحصیلات (به طور عمده) دکترا تعیین شدند و ۱۶ کارشناس ارتباطات، استادان دانشگاه، روزنامه‌نگاران با سابقه دست‌کم ۱۰ سال فعالیت و نیز شاغلان یا مسئولان بخش‌ها و صفحات فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات رسانه‌های کشور با جنسیت زن و مرد و تحصیلات (اغلب) دکترا

حقوق ارتباطی در جامعه اطلاعاتی ❖ ۱۹

و (در برخی موارد) فوق لیسانس و لیسانس، در نظر گرفته شدند. در عین حال، این دو دسته کارشناس با محیط کاری و فکری یکدیگر، آشنایی داشتند.

در پژوهش حاضر، با اجرای روش تحقیق کیو، تلاش شده است تا ضمن دستیابی به پاسخ دیگر پرسش‌های تحقیق، یافته‌های مباحث نظری و جهانی در حوزه جغرافیایی معین، یعنی ایران نیز ارزیابی شود.

به این ترتیب، ۳۲ پاسخگو، گویه‌های منتخب را رتبه دادند. با این تعداد گویه و با استفاده از برنامه نرم‌افزاری کوانل^۱، ماتریس ضریب همبستگی بین پاسخگویان به دست آمد و جداول آرایه نمرات استاندارد (Z) هر گویه و گویه‌های مورد توافق و اختلاف شکل گرفتند که با استفاده از تحلیل عاملی، دسته‌بندی جدیدی از پاسخگویان (دو گونه ۱۸ و ۱۴ نفری با دو گونه فکری متفاوت) حاصل شد.

جدول ۱- آرایه نزولی ۱۳ گویه از ۴۷ گویه مورد توافق بر اساس میانگین نمرات Z

شماره گویه	متن گویه	میانگین نمره Z
۲۰	از آرمان‌های حقوق ارتباطی در جامعه اطلاعاتی، آزادی بیان برای همه است که باید بر فضای مجازی حاکم باشد و اثرات آن شنیده شدن سخن و نظر شهروندان است.	۱.۴۳
۶	شهروندان حق دانستن و آگاه شدن از اطلاعاتی را که خود تهیه می‌کنند یا درباره آنها جمع‌آوری می‌شوند - بخصوص نزد دولت - دارند.	۱.۳۰
۱۰	پذیرش حق‌هایی مانند آزادی بیان و آزادی اطلاعات در جوامع ملی اطلاعاتی به تنهایی برای تحقق آنها کافی نیست، بلکه این حقوق با فراهم‌سازی امکانات و ابزارهایی برای شهروندان همچون دسترسی و توانمندی و کاربری اطلاعات در فضای مجازی، محقق و کامل می‌شوند.	۱.۲۸
۲۴	دولت‌ها موظفند برای انطباق تمام قانون‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی مربوط به ارتباطات اینترنتی با مقتضیات احترام به زندگی خصوصی شهروندان، آزادی بیان و حق اطلاعات آنان، کوشش کنند.	۱.۲۲

ادامه جدول ۱

شماره گویه	متن گویه	میانگین نمره Z
۳۱	عنصر کلیدی مثبت حق آزادی بیان و شالوده حیاتی «حق ارتباط»، تعهد دولت‌ها به ایجاد محیط مناسب برای رسانه‌های متنوع و مستقل است، محیطی که بتواند حق همگان را به دریافت اطلاعات از منابع گوناگون تأمین کند.	۱.۱۸
۴۵	توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در عرصه ملی و بین‌المللی نباید به زیان حقوق ارتباطی مانند حق آزادی بیان، حق اطلاعات، حق حریم خصوصی و حق تنوع فرهنگی و زبانی، منجر شود.	۱.۱۲
۴۹	ترویج استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به حاکمیت و مشارکت اجتماعی شهروندان کمک می‌کند.	۰.۹۴
۷	گسترش اینترنت در کشورها، که بدون هدفگذاری، سیاستگذاری و اجرای برنامه‌های ملی امکان‌پذیر نیست، باید به سه‌گانه محوری دسترسی، توانمندی و کاربری اطلاعات از سوی شهروندان معطوف باشد.	۰.۹۱
۳۶	با به رسمیت شناختن حقوق ارتباطی و تصریح این حقوق در قوانین اساسی کشورها و دیگر قوانین، کمک شایانی به تحقق حقوق ارتباطی شهروندی می‌شود.	۰.۹۰
۳	فرهنگ‌های اقلیت باید در عرصه و متن فرهنگ و ارتباطات جامعه به رسمیت شناخته شوند و امکان حضور یابند و با تبعیض مواجه نباشند.	۰.۸۸
۵	استفاده از اینترنت و حضور در جامعه اطلاعاتی نیاز به کاربرانی دارد که علاوه بر فراگیری آموزش عمومی از سواد کاربری (اطلاعات و اینترنت) نیز برخوردار باشند.	۰.۷۷
۱۳	برای تحقق حقوق ارتباطی و امکان انعکاس نظرهای گوناگون کشورهای در حال توسعه پیرامون جامعه اطلاعاتی و فضای مجازی، لازم است در راهبری جهانی اینترنت تغییراتی صورت پذیرد و این راهبری از انحصار یک کشور خارج شود و این کشورها در آن مشارکت داشته باشند.	۰.۷۶
۳۳	افزایش بهره‌برداری عمومی با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات راهی مهم در دسترسی معقول به اطلاعات به شمار می‌رود و به افزایش میزان مشارکت در جامعه اطلاعاتی می‌انجامد.	۰.۷۴

جدول ۲- آرایه نزولی تفاوت نمرات میانگین استاندارد دو گونه

شماره گوپه	متن گوپه	تفاوت نمرات Z دو گونه
۵۶	صافی گذاری (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مجازی از سوی دولت‌ها، اصلی‌ترین مانع بر سر راه آزادی بیان در جامعه اطلاعاتی است.	۲.۷۰۰
۵۴	آنچه در فضای سایبر مهم است، حق خصوصی در ارتباطات و رها بودن از نظارت و مراقبت است.	۱.۸۸۷
۶۰	چون منبع درآمد و معاش نویسندگان و هنرمندان و به طور کلی، آفرینندگان فکری، فقط همان محصول فرهنگی آنهاست، اجرای محکم و حمایت جدی از حقوق مالکیت فکری (حق نشر) ضروری است.	۱.۷۶۰
۴۴	اینترنت و فناوری‌های اطلاعات، ذاتاً فرصتی برای افزایش دانستن، آگاه شدن شهروندان و تحقق حق دانستن به شمار می‌آیند بنابراین، هیچ مانعی بر سر راه تحقق این حق در فضای مجازی، مجاز نیست.	۱.۰۱۹
۵۸	مانع‌گذاری در راه آزادی بیان در فضای مجازی به شکل‌های گوناگون صورت می‌پذیرد که کنده سرعت اینترنت، بی توجهی حکومت به این موضوع و سرمایه‌گذاری نکردن دولت‌ها برای بر طرف کردن آن از جمله این موانع است.	۱.۰۰۶
۵۳	تغییر سلطه زبان انگلیسی بر محتوای اینترنت و رسیدن به وضعیت چند زبانی، ناممکن است بنابراین دولت‌های ملی باید به ترویج و آموزش این زبان بین کاربران سرزمین‌های خود اقدام کنند و به امکان ارتباط و تعامل آنان با بخش وسیعی از مردم جهان کمک کنند.	-۱.۰۱۰
۱۹	تواناسازی شهروندان برای دسترسی و کاربری اطلاعات از جمله وظایف دولت‌ها در شرایط جدید پدیداری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و جامعه مبتنی بر اطلاعات است.	-۱.۱۹۶

ادامه جدول ۲

شماره گوپه	متن گوپه	تفاوت نمرات Z دو گونه
۲۱	فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و اینترنت به همان میزان که دستاورد بزرگ آزادی را به همراه می‌آورند، میزان نظارت و کنترل شهروندان و نقض حریم آنان را افزایش می‌دهند.	-۱.۷۴۱
۲۵	فضای مجازی اگر چه دستاوردهای ارزنده‌ای برای شهروندان داشته، در برخی موارد با تعرض به حریم خصوصی افراد همراه بوده است. بنابراین، برای حفظ و تقویت حریم خصوصی شهروندان نیاز به اعمال کنترل‌های ملی و بین‌المللی بر این فضا از طریق مصوبات دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است.	-۱.۸۳۸
۳۰	برای مقابله با هرزه‌نگاری، سوءاستفاده جنسی، آزار کودکان، تشویق و اعمال خشونت و فعالیت‌های تروریستی در فضای مجازی، وضع قوانین خاص برای اعمال محدودیت‌ها و انسداد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و فضای وب ضروری است.	-۲.۳۱۵
۴۲	در برابر اطلاع‌رسانی مسموم و بی‌قید و بندی‌های سیاسی و اخلاقی که در فضای وب مشاهده می‌شود، از اعمال کنترل و صافی‌گذاری (فیلترینگ) در این محیط، گریزی نیست.	-۲.۴۲۹

جدول ۳- مقایسه خلاصه گویه‌های مورد توافق و اختلاف دو گونه و گویه‌های دارای بالاترین نمره استاندارد برای گونه اول و گونه دوم

اولویت گویه	گویه‌های مورد توافق		گویه‌های مورد اختلاف		گویه‌های دارای بالاترین نمره استاندارد - گونه اول		گویه‌های دارای بالاترین نمره استاندارد - گونه دوم	
	موضوع	حق‌های سه‌گانه / موانع	موضوع	حق‌های سه‌گانه / موانع	موضوع	حق‌های سه‌گانه / موانع	موضوع	حق‌های سه‌گانه / موانع
۱	آزادی بیان	دسترسی / دولت	آزادی بیان	دسترسی / دولت	آزادی بیان	دسترسی / دولت	آزادی بیان	دسترسی / دولت
۲	حق اطلاعات	دسترسی / دولت	حریم خصوصی	دسترسی / دولت	حق اطلاعات	دسترسی / دولت	آزادی بیان	توانمندی و کاربری / دولت - شرکت‌ها
۳	آزادی بیان	توانمندی و کاربری / دولت - شرکت‌ها	حق مالکیت فکری (کی‌رایت) بین‌الملل	توانمندی / دولت + شرکت‌ها + بین‌الملل	حق گروه‌ها و اقلیت	دسترسی / دولت	حریم خصوصی	دسترسی / دولت - شرکت‌ها
۴	حریم خصوصی	دسترسی / دولت - شرکت‌ها	برابری جنسیتی	دسترسی / دولت	رسانه‌های متنوع و مستقل	دسترسی / دولت	آزادی بیان	دسترسی / دولت
۵	رسانه‌های متنوع و مستقل	دسترسی / دولت	حق اقتصادی اجتماعی شهروندی	توانمندی / دولت + نهادهای بین‌المللی	آزادی بیان	توانمندی و کاربری / دولت - شرکت‌ها	حق اطلاعات	دسترسی / دولت
۶	آزادی بیان	دسترسی / دولت	حق دانستن	دسترسی / دولت	حق ارتباط برقرار کردن + بین‌الملل	توانمندی کاربری / دولت + بین‌الملل	رسانه‌های متنوع و مستقل	دسترسی / دولت
۷	مشارکت اجتماعی	توانمندی کاربری / دولت	آزادی بیان	توانمندی / دولت	حریم خصوصی	دسترسی / دولت	حقوق ارتباطی به طور کلی	سه‌گانه / دولت
۸	حق ارتباط برقرار کردن	توانمندی کاربری / دولت + بین‌الملل	تنوع زبانی	توانمندی / دولت + نهادهای بین‌المللی	آزادی بیان	دسترسی / دولت	امنیت	دسترسی / دولت - نهادهای بین‌المللی و شرکت‌ها
۹	حق اقتصادی اجتماعی شهروندی	توانمندی / دولت	حق ارتباط برقرار کردن	توانمندی / دولت	مشارکت اجتماعی	توانمندی و کاربری / دولت	حریم خصوصی	دسترسی / دولت - نهادهای بین‌المللی
۱۰	حق گروه‌ها و اقلیت‌ها	دسترسی / دولت	حریم خصوصی	دسترسی / دولت	راهبری جهانی اینترنت	دسترسی و کاربری / نهادهای بین‌المللی	مشارکت اجتماعی	توانمندی و کاربری / دولت

یافته‌ها

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش درباره مفهوم حقوق ارتباطی و نسبت با آن با جامعه اطلاعاتی می‌توان گفت حقوق ارتباطی، اندیشه و مجموعه حق‌ها و اصول موجود و اعلام شده رسمی است که تواناسازی و امکانات‌دهی به افراد و جوامع را برای استفاده از وسایل ارتباطی و رسانه‌ای به منظور نیل به اهداف خود و مشارکت آنها در امور جامعه، دنبال می‌کند. این حق‌ها با تأکید بر لزوم کاربرد جمعی و توأمان، لوازم ضروری برای تحقق کامل آزادی بیان و برقراری ارتباطات انسانی، تعاملی و افقی را هدف قرار می‌دهد.

برای پاسخ به پرسش‌های دوم تا ششم تحقیق، با استفاده از نمرات استاندارد (Z) گویه‌های ۳۲ پاسخگوی تحقیق، جداولی شامل ۱۳ گویه (از ۶۰ گویه تعداد کل) مورد توافق و ۱۳ گویه مورد اختلاف شکل گرفتند (جداول ۱ و ۲). در جدول گویه‌های مورد توافق گویه نخست با بیشترین نمره استاندارد، درباره آزادی بیان و جایگاه و اهمیت آن است. موضوع گویه نخست جدول گویه‌های مورد اختلاف، نیز در مورد صافی‌گذاری (فیلترینگ) است که گروهی از پاسخگویان با آن موافق و گروهی دیگر با آن مخالف بوده‌اند. پس، این موضوع دارای بیشترین نمره اختلاف در بین پاسخگویان بوده است. از آنجا که این موضوع (فیلترینگ) سد راه آزادی بیان است، می‌توان گفت که موضوع گویه نخست محل اختلاف دو گونه پاسخگویان نیز، آزادی بیان است. بنابراین، می‌توان در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت که «حق آزادی بیان» موضوعی است که بیشترین توافق و اختلاف میان پاسخگویان را نشان می‌دهد.

برای پاسخ به پرسش سوم، در مورد اینکه کدام یک از حق‌های ذیل حقوق ارتباطی، بیشتر مورد توجه پاسخگویان است، جداول آرایه نمرات استاندارد، نشان داد که «حق آزادی بیان» بیشتر از حق‌های دیگر، مورد توجه پاسخگویان است.

در پاسخ به پرسش چهارم تحقیق، بررسی گویه‌های مورد توافق و اختلاف دو گونه، همچنین گویه‌های دارای بالاترین نمره استاندارد برای گونه‌های اول و دوم، مشخص ساخت که حق دسترسی به اطلاعات بیش از دو حق دیگر (از حق‌های سه‌گانه این تحقیق: دسترسی، توانمندی و کاربری در مورد اطلاعات)، مورد توجه پاسخگویان است.

بر سر راه تأمین حق‌های دسترسی به اطلاعات، توانمندی و کاربری در مورد اطلاعات، موانع ملی و بین‌المللی مانند دولت‌ها و شرکت‌ها قرار دارند که بسته به هر حوزه جغرافیایی، هر یک از این موانع بیشتر از بقیه ایفای نقش می‌کنند. در این زمینه و در پاسخ به پرسش پنجم که اولویت یکی از موانع یاد شده را جستجو می‌کند، بررسی داده‌ها و یافته‌های این تحقیق نشان داد که پاسخگویان، دولت را مانع اصلی در راه تأمین سه حق یاد شده می‌دانند.

در پاسخ به پرسش ششم که تصویر و توضیح کلی را درباره تأمین حقوق شهروندی یعنی دسترسی، توانمندی به کارگیری و کاربری اطلاعات در جامعه اطلاعاتی، مورد سؤال قرار می‌دهد، با استفاده از پاسخ پرسش‌های اول تا پنجم این تحقیق، می‌توان گفت برای هر شهروند، حقوق و مسئولیت‌هایی وجود دارد. شهروند آگاه به محیط باید امکان دسترسی به اطلاعات را داشته باشد، ظرفیت‌های شخصی او برای به کارگیری اطلاعات به فعل رسیده باشد و از امکانات و وسایل کاربری اطلاعات برخوردار باشد تا بتواند به وظایف خود در قبال محیط اجتماعی و جامعه، عمل کند. وظیفه و البته حق او، مشارکت در امور جامعه است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسئله اصلی شهروندان نسبت به حقوق ارتباطی، مسئله آزادی بیان است. پس از آن، مسائلی همچون حق اطلاعات، حریم خصوصی، تنوع فرهنگی، قومی و زبانی در جامعه اطلاعاتی و ضرورت مشارکت سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. از آنجا که از نظر پاسخگویان، «دسترسی» نسبت به دو حق دیگر شهروندی از اهمیت بالاتری برخوردار است و همچنین به دلیل اینکه آنها دولت را بیش از موانع دیگر مهم می‌دانند، می‌توان چنین توضیح داد که حقوق شهروندی سه‌گانه و حقوق ارتباطی، در حوزه داخلی، با رفع موانع دولتی در موارد مختلف مانند تصمیمات و قانونگذاری، سرمایه‌گذاری در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات، تجاری‌زدایی از فضای وب و ارائه خدمات همگانی و در عرصه خارجی، با تجدید نظر در مقررات نهادهای بین‌المللی به نفع کشورهای در حال توسعه و نیز جلب کمک‌های کشورهای غنی و شرکت‌های عظیم فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، به سوی کشورهای نیازمند برای ایجاد زیرساخت فنی و مخابراتی و نیز امکان بهره‌مندی افراد این جوامع از این فناوری‌ها برای ورود به جامعه اطلاعاتی، تأمین می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

در حوزه ارتباطات، حقوقی وجود دارند که به آنها «حقوق ارتباطات» گفته می‌شود. تعدادی از این حق‌ها که معطوف به موضوعات مهمی نظیر آزادی بیان، آزادی اطلاعات، برابری و ... هستند و از اهمیت کلیدی و اساسی برخوردارند، با وجود تصویب در سطح بین‌المللی و ملی، حتی در کشورهایی که پیش‌تاز تصویب و تأیید این حق‌ها به شمار می‌آیند، هنوز یا به طور کامل اجرا نشده‌اند یا با موانعی بر سر راه تحقق کامل، مواجه‌اند.

اندیشه‌ای موسوم به «حقوق ارتباطی» مطرح شده است تا با سازوکاری، این حقوق کلیدی را به گونه‌ای محقق سازد، که حاصل آن جامعه ارتباطاتی انسانی باشد (ارتباطات افقی، نه تحکمی-عمودی). طرح این اندیشه، با گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات همزمان شده و بنابراین، عمر آن کمی بیش از یک دهه است. برخی از حق‌های یاد شده و ذیل اندیشه و مجموعه «حقوق ارتباطی»، مانند حق حفظ حریم خصوصی، با پدیداری فناوری‌های یاد شده، بیشتر در معرض نقض قرار گرفته یا با موانعی روبه‌رو شده‌اند. اما برخی دیگر مانند آزادی بیان، با استفاده از ویژگی‌های این فناوری‌ها، تقویت شده و گسترش یافته‌اند. با اینکه برخی از حق‌های کلیدی یاد شده، پیش از ظهور این فناوری‌ها نیز با موانعی برای تحقق کامل روبه‌رو بوده‌اند، اما اندیشه حقوق ارتباطی، این فناوری‌ها را هم فرصت و هم شرایط شبه تهدید، برای این حق‌ها می‌داند.

بر اساس مبانی نظری این تحقیق، حق آزادی بیان، محوری‌ترین حق از مجموعه حق‌های ذیل اندیشه «حقوق ارتباطی»، به عبارتی، قلب «حقوق ارتباطی» است. نتایج تحقیق میدانی (روش کیو) نیز نشان داد که از دید صاحب‌نظران ایرانی نیز، این چنین است و آزادی بیان، حق اول در میان حق‌های ذیل اندیشه «حقوق ارتباطی» به شمار می‌رود. چنان که گویه‌ای که به جایگاه و اهمیت این حق تصریح داشت، از رتبه اول (بالا‌ترین نمره استاندارد) گویه‌های مورد توافق برخوردار شد.

توضیح اینکه از منظر اندیشه «حقوق ارتباطی» که در بحث مبانی نظری و ادبیات موضوع ملاحظه شد، آزادی بیان دو وجه دارد. یک وجه، به موانع بر سر راه حق آزادی بیان اشاره می‌کند که مربوط به همان معنای سنتی و متعارف این حق است؛ به این

ترتیب که قدرت حاکم، مستقیم و مصرح، مانع تحقق آزادی بیان می‌شود. اما وجه دیگر که از نظر دور مانده و اندیشه یاد شده به آن توجه کرده است، به «وجود امکان بیان آزاد» اشاره دارد. ممکن است در یک جامعه، قوانین تأیید آزادی بیان وجود داشته باشد و دولت به جای مخالفت با آزادی بیان از آن حمایت هم نکند اما در ضمیر و ذات چنین شرایطی، «امکان بیان آزاد برای همگان» وجود نداشته باشد. به عبارتی، قانون باشد اما ابزار استفاده همگانی از این قانون وجود نداشته باشد. در واقع، دولت به نابرابری در تحقق آزادی بیان تن می‌دهد. برخی از انتقادهای اندیشه «حقوق ارتباطی» متوجه چنین معنایی در کشورهای سرمایه‌داری لیبرال است. آنهایی که قدرت و سرمایه دارند، از امکان نابرابر برای بیان نظر خود برخوردارند. اندیشه «حقوق ارتباطی» از فکر حمایت از وجود قانون تأیید آزادی بیان فراتر رفته و به لوازم استفاده برابر و همگانی برای تحقق چنین حق و قانونی رسیده است.

آزادی اطلاعات، رسانه‌های متنوع و مستقل، حق حفظ حریم خصوصی و تنوع فرهنگی و زبانی، از دیگر حق‌های مورد توجه و اولویت پاسخگویان بود که بیشترین توافق و نمره استاندارد را در میان گویه‌های مورد توافق آنها به خود اختصاص داده بود. حمایت اندیشه «حقوق ارتباطی» از دانش و محصول فکری آحاد جامعه برای همگان به عنوان یک محصول اجتماعی عمومی، همراه با رعایت متعادل حقوق مؤلف (کپی رایت) و نیز حضور زنان در محیط جامعه اطلاعاتی، از دیگر گویه‌های با میزان توافق بالا (بیشترین نمرات استاندارد) در مرتبه بعدی بود.

یکی از هدف‌های اجرای این پژوهش، بررسی موانع موجود بر سر راه تحقق حقوق سه‌گانه «دسترسی به اطلاعات»، «توانمندی استفاده از اطلاعات» و «کاربری در مورد اطلاعات» بود. این موضوع در گویه‌ها به عنوان یک شاخص در نظر گرفته شده بود، شرکت‌ها، مقررات و دولت‌ها، موانع یاد شده بودند، که در بررسی نظری مشخص شده بودند.

یافته‌های این تحقیق نشان داد اصلی‌ترین موانع بر سر راه آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، نهادهای قدرت عمومی یا دولت است. همچنین از نظر پاسخگویان، «دسترسی»، حق اول در میان حق‌های سه‌گانه شهروندی یعنی دسترسی، توانمندی استفاده و کاربری اطلاعات، بوده است.

بنابراین، تحقق کامل و تأمین آزادی بیان و حقوق ارتباطی، متوجه نهادهای قدرت عمومی (دولت) است. نظر و دیدگاه صاحب‌نظران حقوق ارتباطی که آزادی بیان، قلب حقوق ارتباطی است، با انجام این پژوهش میدانی در حوزه سرزمینی ایران، تأیید شد. اقتضات تحولات متأثر از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و پدیداری شرایط و شکل‌بندی اجتماعی جدید موسوم به جامعه اطلاعاتی، توجه به حقوق ارتباطی یا حقوق بشر ارتباطی را ایجاب می‌کنند. این حقوق متوجه برداشتن موانع، فراهم‌سازی شرایط، تأمین امکانات و تضمین تحقق حق‌های ذیل خود هستند. مؤثرترین عوامل در تحقق حقوق ارتباطی در حوزه ملی، نهادهای قدرت عمومی، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و در حوزه بین‌المللی و جهانی، شرکت‌های تجاری‌اند.

حقوق ارتباطی، اندیشه و نظام حقوقی مغتنم برای استفاده از فرصت‌آفرینی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، جامعه اطلاعاتی و نیز آمادگی برای مقابله با چالش‌آفرینی در این شرایط جدید است.

حقوق ارتباطی، آزادی بیان را از چارچوب و نگرش قدیمی و سنتی و ناکارا عبور داده است. هدف اندیشه و مفهوم «حقوق ارتباطی»، کارا ساختن حق آزادی بیان و دیگر حق‌های موجود در حوزه ارتباطات است. این هدف محقق نمی‌شود مگر با تأمین لوازم و امکانات تحقق این حق‌ها. حقوق ارتباطی به دلیل اینکه خواستار آزادی بیان و اطلاعات برای همگان است، بر برابری تأکید دارد. البته آزادی بی ضابطه، ممدوح و مطلوب نیست. به عبارت دیگر، «آزادی مبتنی بر قانون» (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱) مورد نظر است.

منابع

برلین، آیزایا. (۱۳۸۰). چهار مقاله درباره آزادی (ترجمه محمدعلی موحد). تهران: خوارزمی. جونز، و. ت. (۱۳۶۲). خداوندان اندیشه سیاسی (ترجمه علی رامین). جلد دوم، قسمت اول، تهران: امیرکبیر.

فالکس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی (ترجمه محمدتقی دلفروز). تهران: کویر. معتمدنژاد، کاظم؛ معتمدنژاد، رویا. (۱۳۸۷). حقوق ارتباطات. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ اول.

مک براید، شان. (۱۳۶۹). **یک جهان، چندین صدا** (ترجمه ایرج پاد). تهران: سروش.
ون دایک، جان. (۱۳۸۴). **قدرت و سیاست در جامعه شبکه‌ای** (ترجمه اسماعیل یزدان‌پور).
فصلنامه رسانه، (۶۲)، صص ۲۸ - ۲۵.

Alegre, A. & O'siochru. S. (2005). **Communication Rights**. Retrieved from:

<http://www.CommunicationRights.org>

Fisher, D. & Harms, L.S. (1983). **The Right to Communicate: A New Human Right**, Dublin:Boole Press.

Fisher, D. (1983). **A New Beginning**. Retrieved from:

<http://www.Right to communicate.org/view Reference>

Hamelink, C.J. (2003). **Human Rights for Information Society**. in **communicating in the information society**, eds.Bruce Girard and Sean O'Siouchru, UN RISD: United Nation Research Institute for Social Development.

<http://www.Right to Communicate.org/ printDocument.atm>

Mendel, T. (2006). **The Right to communicate**. Retrieved from:

<http://www.Article19.org>

O'Siochru, S. (2005). **Assessing Communication Rights**. A handbook. CRIS.